



پذیرش بطن برای قرآن دال بر باطن‌گرایی نیست / تشریح سبک بیان در قرآن

پذیرش بطن برای معانی قرآن به هر معنایی باشد، به معنای تسلیم در برابر عقاید فاسد باطن‌گرایان نبوده و لازمه آن، پذیرش هر روایتی که معنایی را بطن قرآن خوانده، ولی استناد آن به معصوم (ع) ثابت نباشد، نیست.

پذیرش بطن برای معانی قرآن به هر معنایی باشد، به معنای تسلیم در برابر عقاید فاسد باطن‌گرایان نبوده و لازمه آن، پذیرش هر روایتی که معنایی را بطن قرآن خوانده، ولی استناد آن به معصوم (ع) ثابت نباشد، نیست.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌محمد یزدی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) با اشاره به در دست انتشار داشتن کتابی با عنوان «#171 روش بیان قرآن» گفت: در این کتاب با هدف شناخت سبک ارائه موضوع در قرآن، شاخص‌هایی همچون زبان قرآن، فراعصری بودن آن، بطن قرآن، ساختار ظاهری آن در واژه‌ها و ترکیب‌های سخن، شیوه‌های بلاغی تمثیل و تأکید، سبک‌های داستانی، روش گزارش گفته‌ها و کردارهای دیگران، تعلیقه‌ها، ابتکارات گفتاری و ادب گفتگوی قرآن با مخاطبان مورد بحث قرار گرفته است.

یزدی با اشاره به برخی از مباحث این کتاب و مهم‌ترین نتایجی که در این کتاب بر آن‌ها تأکید شده است، گفت: داستان‌های قرآن بر اساس واقعیت بیان شده و افسانه‌های تخیلی یا برخاسته از مماشات با باورها و خاطره‌های دانشمندان معاصر بعثت نیست. قرآن مدعی حق بودن گفته‌ها، داستان‌ها، وعده‌ها و تهدیدهایش بوده و بر آن پافشاری دارد و روش‌هایی که برای بیان معارف در قرآن مطرح می‌شود، در صورتی قابل پذیرش‌اند که با این ادعا در تنافی نباشند.

وی با بیان این‌که قرآن تنها به خاطر رخدادهایی که در مکه و مدینه پدید می‌آمد، نازل نشده است، اظهار کرد: قرآن راه صلاح همیشگی را نشان می‌دهد و نزول آن در گرو حوادث عصر بعثت نبوده است و بر همین اساس است که قرآن حتی در داستان‌هایش با سکوت از زمان، مکان، نام‌ها و ویژگی‌های شخصی افراد، کلی‌نگری را حاکم ساخته و آن‌ها را از حادثه‌ای جزئی به عبرتی کلی تبدیل کرده است.

این محقق و پژوهشگر قرآنی همچنین با بیان این مطلب که قرآن به بهترین شکل ممکن از زبان رایج استفاده کرده و در عین حال از مثل‌ها، کنایات، تشبیهات و استعاراتی که شائبه همراهی با فرهنگ باطل عصر جاهلی داشته، پرهیز کرده است، تأکید کرد: قرآن برگرفته از فرهنگ زمانه خود نیست؛ ولی به حالت‌ها، روحیه‌ها و افکار مردم نیز بی‌توجه نبوده است. قرآن، از فرهنگ جاهلیت نجوشیده و چیزی از افکار نادرست آنان، در آن پذیرفته نشده است، بلکه آموزه‌های قرآن، فراعصری است و فهم مردم عصر نزول و تصورات درست و نادرست آنان، تأثیری در گزینش حقایق و معارف قرآن نداشته است.

یزدی با اشاره به یکی دیگر از مباحثی که در این کتاب آسمانی مورد توجه و بحث قرار گرفته است، بیان کرد: قرآن علاوه بر مفاهیمی که با ظاهر الفاظ خود تفهیم کرده، در باطن الفاظ نیز معانی و مقاصدی را به صورت پلکانی و قابل فهم تدریجی به تناسب مخاطبان خویش، نهفته است؛ اما در غیر آنچه ظاهر قرآن با آن مساعدت می‌کند، باید به انتظار نصی معتبر از پیامبر (ص) یا امامی معصوم نشست و گرنه سخن گفتن از آن، تفسیر به رأی و افتراء بر خداوند و پیروی از گمان است.

وی افزود: بنابراین پذیرش بطن برای معانی قرآن – به هر معنایی باشد – به معنای تسلیم در برابر عقاید فاسد باطن‌گرایان نبوده و لازمه آن، پذیرش هر روایتی که معنایی را بطن قرآن خوانده، ولی استناد آن به معصوم (ع) ثابت نباشد، نیست.

یزدی در مورد شیوه بیان قرآن در برخی دیگر از موارد گفت: در زمینه‌های گوناگونی نظیر شفاعت، گرفتن جان، آفریدن، روزی‌رسانی، تأثیر در جهان هستی، علم غیب، حکومت، مالکیت و غیر آن، شیوه بیان قرآن این است که در سخنی آن‌ها را از غیر خداوند نفی می‌کند و در همان سخن یا سخنی دیگر آن‌ها را تنها برای خداوند ثابت می‌داند. گاه نیز در جایی دیگر از ثبوت آنها برای غیرخداوند خبر می‌دهد، اما انجام آن را به اذن خداوند مشروط می‌کند.

این عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی افزود: این کتاب آسمانی در بیان مقام‌ها و رتبه‌ها و در شرح حالت‌ها، به شناساندن صاحبان مقام و حالت می‌پردازد و با هدف شناساندن فعل، سخن را آغاز می‌کند؛ ولی با تشریح ویژگی‌های فاعل، هدف خود را عملی می‌سازد.

وی با بیان این‌که قرآن با مردم از راه آنچه در زندگانی خود با آن انس گرفته‌اند، سخن می‌گوید، اظهار کرد: برای کسانی که جز با

محسوسات به چیزی خو نگرفته‌اند، بیان حسی داشته و برای آنان که به معانی کلی نیز راهی گشوده‌اند، از بیان حسی و عقلی بهره می‌گیرد، اما بسیاری از معارف الهی را با زبان مثل بیان کرده است تا کسانی که تنها با محسوسات مأنوسند، نیز از آن بهره برند.

یزدی عنوان کرد: آموزه‌های قرآن بر پایه تقلید کورکورانه بنا نشده و آمیخته با بیان علت‌ها و نتیجه‌ها است. همچنین قرآن برای موعظه و عبرت‌گیری از صحنه‌های هر داستان، آن مقدار را برمی‌گزیند که در هدایت مردم تأثیر کند. علاوه بر این قرآن در هر موردی که به توبیخ، نکوهش، تهدید، انذار و سخت‌گیری پرداخته است، نکته‌ای بشارت‌آمیز، اظهار مدارا و رحمت، ترغیب یا وعده‌ای را به آن پیوند می‌دهد.

وی با اشاره به برخی دیگر از نتایج پژوهش در روش بیان قرآن گفت: فهم هیچ آیه‌ای در گرو پی بردن به شأن نزول آن نیست و هیچ يك از اسباب نزول، مفاد آیه را منحصر به مورد خویش قرار نمی‌دهد. قرآن در بیان مقاصد خود بین «#مقصد موعظه» و «#مقصد تشریع» جمع کرده است؛ که «#غنیمت شمردن فرصت‌ها» و «#نشاط‌آور ساختن سخن برای مخاطب»، از انگیزه‌های برگزیدن این شیوه است. همچنین آیات قرآن بهترین نمونه عفت کلام است و سخن رکیکی در آن نمی‌توان یافت.

این محقق و پژوهشگر با اشاره به بهره بردن قرآن از واژه‌ها در غیر جایگاه عرفی آن گفت: اختراع واژه‌هایی همساز با روح حاکم بر زبان عرب، به کار بردن ترکیب‌های بی‌سابقه و اراده معانی تازه از واژه‌های پیشینه‌دار در قرآن به غنی‌تر شدن زبان عرب کمک کرده و قرآن را پیشگام حرکت آن به سوی کمال قرار می‌دهد.

یزدی بیان کرد: دأب و عادت قرآن این است که تا حد امکان به کلیات می‌پردازد و از محبوس ساختن نکته‌ها در فرد یا زمان یا مکان خاص و یا پرداختن به حکمی جزئی و دارای يك یا چند مصداق معدود می‌پرهیزد.

وی در پایان بیان کرد: این نکته‌ها و بسیاری از نکات مفید دیگری که در کتاب «#روش بیان قرآن» مطرح شده است، تا حدی می‌تواند راهگشای فهم قرآن بوده و برای کشف دیدگاه این کتاب آسمانی در موضوعات گوناگون، یار و مددکار پژوهشگران باشد.